

## تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت‌های فرهنگی - تاریخی\*

پیروز حناچی<sup>\*\*</sup>، سمیه فدائی نژاد<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۷/۲۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۷/۱۳)

### چکیده:

این مقاله ضمن شناخت و بررسی سیاست‌ها و برنامه‌های «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» در دو دهه اخیر، به معرفی این رویکرد در آئینه اسناد و مدارک منتشره از سوی مجامع و مراجع بین‌المللی، می‌پردازد؛ به عبارتی می‌توان بازتاب بسیاری از مقاهیم، سیاست‌ها و برنامه‌های تدوین شده در حوزه حفاظت و بازآفرینی را در محتوا و نحوه تنظیم اسناد رسمی و بین‌المللی جستجو نمود، به گونه‌ای که نتیجه آن به دنبال واکاوی و تدوین چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» به عنوان رویکرد غالب در مواجهه بافت‌های فرهنگی - تاریخی در دو دهه اخیر بوده است. بر مبنای چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» معیار «برجستگی» مکان تحت تاثیر زیرمعیارهای «صالت»، «یکپارچگی» و «ازرش نسبی»، در وجه حفاظتی آن و از طرفی دیگر، معیار «سرزنده‌گی اقتصادی» تحت تاثیر زیرمعیارهای بازآفرینی فیزیکی، کارکردی و فرهنگی - اجتماعی، در وجه توسعه‌ای چارچوب «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» مورد توجه قرار می‌گیرند. به علاوه، سیاست «بازآفرینی حفاظت مبنا» به عنوان سیاست غالب در ایجاد همگرایی و تعادل میان اهداف و برنامه‌های «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» در بافت‌های فرهنگی - تاریخی در دو دهه اخیر به رسمیت شناخته شده است.

### واژه‌های کلیدی:

حفاظت، بازآفرینی، برجستگی، سرزندگی اقتصادی، محیط‌های فرهنگی - تاریخی.

\*این مقاله برگرفته از مباحث طرح پژوهشی رساله دکتری معماری نگارنده دوم با عنوان «حفاظت و توسعه یکپارچه در مجموعه‌های معماری تاریخی؛ چالش‌ها، راهبردها و سیاست‌ها» می‌باشد که در پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران تحت راهنمایی نگارنده اول در دست تهیه می‌باشد.

\*\*نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۳۳۱۸۶۳۸، نمایش: ۲۲۲۸۸۷۸، E-mail: hanachee@ut.ac.ir

## مقدمه

ایکوم، سازمان شهرهای میراث جهانی، میراث انگلستان<sup>۷</sup> اشاره نمود. بررسی این اسناد ضمن کمک به شناخت آخرين دیدگاههای مطرح در این حوزه، نمونه‌ای از چارچوب عملی تحقق سیاست‌های «حفظ و بازآفرینی یکپارچه» را رایه می‌دهند، در این میان اسناد منتشره از سوی موسسه‌گتی در آمریکا و میراث انگلستان نقش موثرتری در شناخت تجربیات و چارچوب عملی سیاست‌های حفاظت و توسعه بر عهده دارند. قواعد و دستوراتی که از میان سطور این اسناد درک می‌گردند، به نوعی بیانگر نوعی روند تکاملی در رویکردهای حفاظت و بازآفرینی در محیط‌های تاریخی می‌باشد، که نوع متاخر آن را «حفظ و بازآفرینی یکپارچه» نام نهاده‌اند. «در رویکرد متاخر آن، به نظر می‌رسد که میراث در همه ابعاد خود در حال از نوزاده شدن است، و محتواهای منتشرهای و بیانیه‌ها، بر این امر گواهی می‌دهند» (لطفى، ۱۳۸۷). در این میان، برخی از اسناد، بیشتر بر جنبه‌های کالبدی تاکید ورزیده‌اند و برخی دیگر، بر جنبه‌های محتواهی، معنایی و ناملوس میراث نظر داشته‌اند، اما به طور معمول، بر هر دو بعد تاکید وجود داشته، و حفاظت و بازآفرینی میراث به شکل فعالیتی فراگیر و یکپارچه مطرح گردیده است. بررسی و تحلیل این اسناد به عنوان بخش مهمی از «مرور ادبیات موضوع»، در کتاب بررسی روند تکامل اندیشه‌ها، سیاست‌های برنامه‌های حفاظت و بازآفرینی رویکرد «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه»، «نقش بسزایی داشته باشد. در مقاله حاضر ضمن معرفی زمینه‌های شکل گیری رویکرد «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه»، «سیاست (بازآفرینی حفاظت مبنای)» یا به عبارتی «حفاظت از طریق توسعه»<sup>۸</sup> به عنوان جامع‌ترین سیاست در مواجهه با مسائل بافت‌های فرهنگی - تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد. این سیاست ازاوخرده نودم در کتاب سیاست‌های دیگری همچون سیاست‌های «بازآفرینی فرهنگ مبنای»، «بازآفرینی طراحی مبنای»، «بازآفرینی اجتماع مبنای»، «بازآفرینی محیط مبنای» مورد توجه سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان شهری در مواجهه با بافت‌های تاریخی قرار گرفته است. اجرای چنین سیاست‌هایی توسط دولت‌های اروپایی در شهرها و خصوصاً مناطق تاریخی شهرها، علاوه بر حفظ «اصالت»<sup>۹</sup>، «یکپارچگی»<sup>۱۰</sup>، «ارزش نسبی»<sup>۱۱</sup> و در مجموع «برجستگی و ممتازت فرهنگی»<sup>۱۲</sup> مکان، زمینه را به منظور ایجاد «سرزندگی اقتصادی» و توجه به ابعاد مختلف بازآفرینی فیزیکی، کارکردی و فرهنگی-اجتماعی در بافت‌های فرهنگی-تاریخی فراهم آورده است.

چرا گذشته را بشناسیم؟ منظور از شناخت گذشته بازگشت به گذشته نیست. بازگشت به گذشته اساساً متفق بوده و هر نوع تاکید مضاعف در این باره، جز به تقليد و صحنه آرایی منجر نخواهد شد، لکن شناخت و آگاهی از روند تحولات در گذشته برای انجام اقدامات در آینده سودمند خواهد بود. از این رو شناخت و سنجش معیارهای «اصالت»، «یکپارچگی» و «ارزش نسبی» مکان‌های تاریخی می‌تواند نقش ارزش‌های را در انجام تغییرات و توسعه‌های جدید در این مکان‌ها داشته باشد و زمینه را به منظور همگرایی هرچه بیشتر رویکردهای حفاظت و توسعه یا به عبارتی «حفظ و بازآفرینی یکپارچه» فراهم آورد.

هدف اصلی در این مقاله، تدوین چارچوب مفهومی «حفظ و بازآفرینی یکپارچه» به منظور معرفی معیارهای «حفظ و توسعه یکپارچه» برای ارائه راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و مدیریت جامع و یکپارچه در بافت‌های تاریخی می‌باشد. برای این منظور، مقاله حاضر از باخوانی متون، اسناد، کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی مرتبط با موضوع حفاظت و بازآفرینی آغاز نموده و سپس به بررسی سیر تکامل رویکردها، برنامه‌ها و سیاست‌های حفاظت و بازآفرینی در دوره اخیر می‌پردازد. در پایان، نتایج حاصل در راستای تدوین چارچوب مفهومی «حفظ و بازآفرینی یکپارچه» به منظور معرفی معیارهای کلیدی «حافظت و توسعه توأمان» برای مدیریت یکپارچه در بافت‌های فرهنگی - تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این‌رو، به منظور شناخت و درک چارچوب مفهومی «حفظ و بازآفرینی یکپارچه»، بایستی اهمیت «برجستگی» به عنوان معیار کلیدی «حافظت یکپارچه» و اهمیت «سرزندگی اقتصادی» به عنوان معیار کلیدی «بازآفرینی یکپارچه» مورد توجه قرار گیرد.

در مقاله حاضر راهبرد «استدلال منطقی» به عنوان استراتژی تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. این مقاله بیشتر جنبه «توصیفی - تحلیلی» دارد، در این مقاله با استفاده از راهبرد «استدلال منطقی» و تکنیک «تحلیل محتوا» و «استنتاج منطقی» تلاش خواهد شد تا مطالب دسته‌بندی شوند و بر اساس سامانه‌ای منسجم تدوین گردند، و در نتیجه بستری برای چگونگی ادامه راه و شناخت مسیرهای حرکت به سوی هدف موردنظر فراهم آورد. همچنین از تاکتیک‌های مطالعه و مشاهده استنادی با استناد به مطالب مندرج در کتب، مقالات و اسناد معتبر به عنوان ابزارهای تحقیق استفاده شده است. از جمله منابع موردنظر استفاده در این مقاله می‌توان به اسناد منتشره از سوی موسسه حفاظت گتی در آمریکا، یونسکو<sup>۱۳</sup>، ایکوموس<sup>۱۴</sup>، ایکرم<sup>۱۵</sup>

## ۱- بررسی و تحلیل ویژگی های رویکرد «حفظ و توسعه یکپارچه» برای قطعنامه ها، کنوانسیون ها و اسناد منتشره بین المللی و ملی

ایران نیز نشستهای تخصصی، کنگره ها، همايش های مرتبط با حفاظت و حمایت از ثروت های فرهنگی - تاریخی در ابتدای توسط پژوهشگران خارجی همچون «ارنسن هرتسفلد، فیلیپس آکمن و آرتور پوپ» و سپس با تشکیل انجمن آثار ملی با حمایت دولت در دهه های نخست قرن حاضر برگزار گردید (حنچی و همکاران، ۱۳۸۶)، گروه سوم از این همايش ها که عمدتاً با بیانیه ها و یا قطعنامه ای همراه بوده اند از اوخر دهه ۴۰ شمسی آغاز و تاکنون نیز ادامه دارند که از جمله متأخرترین آنها می توان به همايش تجدید حیات بافت های بازیابی تاریخی - فرهنگی یزد در سال ۱۳۸۷ و مجموعه همايش های بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری در مشهد آذرماه ۱۳۸۷ و شیراز در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ اشاره نمود که توسط سازمان میراث فرهنگی و شرکت های استانی عمران و بهسازی و با حمایت وزارت مسکن برگزار گردیده اند، لکن علی رغم تلاش های صورت گرفته، میزان تاثیرگذاری جریان های فکری بر فرآیند تصمیم سازی، سیاست گزاری و برنامه ریزی بر این حوزه بسیار اندک بوده است.

پیرامون چگونگی بررسی و تحلیل اسناد معاصر حفاظت و بازآفرینی، ذکر این مورد لازم است که اسناد مربوطه به لحاظ حجم، محتوا و سطح اهمیت ویژگی یکسانی ندارند، برخی از آنها دارای سطح اهمیت بین المللی و برخی منطقه ای و ملی می باشند. در عین حال، محتوا این اسناد و نحوه اشاره بپرداختن به موضوع حفاظت و بازآفرینی در آنها متفاوت بوده است. به همین دلیل تلاش گردیده تا در این مقاله، تاکید اصلی متوجه آن بخش از بیانیه ها و اسنادی باشد که با موضوع و هدف مقاله حاضر قرابت بیشتری دارند.<sup>۱۰</sup> اهمیت دقت در این اسناد، پی بردن به اجتماعی بین المللی است که بر سر موضوع حفاظت و بازآفرینی محیط های فرهنگی - تاریخی، در مجامع بین المللی وجود دارد. از این راه، همین طور می توان به متکثر شدن بیش از پیش مفاهیم و مشتق شدن راهبردها و سیاست های نوین در حفاظت و بازآفرینی پی برد. آنچه از بررسی منشورها، بیانیه ها و اسناد منتشره در دو دهه اخیر حاصل می شود، نشان می دهد که چگونه واژه حفاظت که عموماً بر نگهداشت صرف و ارتقای ساختار های تاریخی تاکید داشت در دهه های اخیر با مفهوم مدیریت تغییر در محیط های تاریخی مورد استفاده قرار گرفته است (English Heritage, 2008) (Jokilehto, 2007,2). درواقع این روند با دیدی صرفاً کالبدی آغاز شد، از این رو در منشورها و توصیه نامه های اولیه بیشتر بر حفظ اصالت و ارزش های تاریخی کالبد معماري و مواد و مصالح تاکید شده است، لکن به تدریج از منشور و نیز به منشور بورا، توجه اساسی به «مکان» و «زمینه» گسترش می یابد و با

از دهه ۱۹۹۰ م به بعد رویکرد «حفظ و بازآفرینی یکپارچه» به عنوان رویکردی غالب در بازآفرینی محیط های فرهنگی - تاریخی مطرح می گردد و از سوی انجمن ها، افراد و موسسات در مقیاس های مختلف محلی، ملی و بین المللی مورد توجه، حمایت و توسعه قرار می گیرد. فعالیت سازمان های مختلف، برگزاری کنفرانس های ملی و بین المللی و صدور قطعنامه ها، توصیه نامه ها و دستورالعمل ها، فضای جدیدی را برای هدایت این جریان فراهم می آورد. (Jokilehto, 1998 cited in Izadi, 2008) در ادامه اسامی تعدادی از مهم ترین اسناد منتشره در دو دهه اخیر در رابطه با حفاظت و بازآفرینی محیط های فرهنگی - تاریخی آورده می شود و در پایان این بخش نتایج حاصل از بررسی مهم ترین این اسناد در قالب جدولی، به تفکیک سطح اهمیت سند<sup>۱۱</sup>، نام سند، سال انتشار آن، نهاد مسئول، هدف از ارائه سند، حوزه مداخله و اصول پیشنهادی بر مبنای رویکرد «حفظ و بازآفرینی یکپارچه»، بیان می گردد. از جمله اسناد بین المللی مذکور می توان به: معاهده ماستریخت (۱۹۹۲ م)، منشور ایکوموس نیوزیلند (۱۹۹۳ م)، دستورالعمل کلمبیا - سریلانکا (۱۹۹۳ م)، بیانیه ازاکا (۱۹۹۳ م)، منشور فاس (۱۹۹۳ م)، سند نشست نارا (۱۹۹۴ م)، قطعنامه برگن (۱۹۹۵ م)، بیانیه سان آنتونیو (۱۹۹۶ م)، منشور صوفیه (۱۹۹۶ م)، قطعنامه گرد همایی استهکلم (۱۹۹۸ م)، اظهارنامه ملبورن (۱۹۹۸ م)، اعلامیه سانتاگو دو کومپوستیلا (۱۹۹۹ م)، منشور بورا (صوب ۱۹۷۹ م) و اصلاحیه ها و اسناد تجدید نظر سال های ۱۹۸۱، ۱۹۸۸، ۱۹۹۹ م، منشور دوازدهمین نشست عمومی ایکوموس در مکزیک (۱۹۹۹ م)، بیانیه مکزیکو سیتی (۱۹۹۹ م)، منشور کراکف (۲۰۰۰ م)، بیانیه کبک (۲۰۰۱ م)، بیانیه بوداپست (۲۰۰۲ م)، بیانیه کازان (۲۰۰۲ م)، منشور چهاردهمین نشست عمومی ایکوموس در زیمبایوه (۲۰۰۲ م)، بیانیه هوی آن (۲۰۰۳ م)، منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی (۲۰۰۳ م)، همچنین قطعنامه های شش سمپوزیوم بین المللی شورای اروپا در طی سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ میلادی و منشور شانزدهمین نشست ایکوموس در کبک کانادا (۲۰۰۸ م) اشاره نمود، که هر یک به نوبه خود دیدگاه های نوینی را در رابطه با سیاست های «حفظ و بازآفرینی یکپارچه» مطرح نموده اند و خواستار حمایت همه جانبه سازمان ها، مجامع و نهادهای تخصصی و حرفه ای از این جریان و سیاست های مورد وفاق صاحبان اندیشه در این گرد همایی ها شده اند، اصلی ترین نهادهای مسئول تنظیم این اسناد را «سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد - یونسکو»، «شورای بین المللی بناءها و محوطه های تاریخی، ایکوموس»، «سازمان جهانی شهرهای تاریخی» وابسته به ایکوموس، «موسسه حفاظت گتی در آمریکا»، «سازمان میراث انگلستان»، شورای اروپا با تأسیس «انجمن اروپایی شهرها و مناطق تاریخی» تشکیل می دهند که به شکل گستردگی ای به ترویج و ارتقای دانش حفاظت پرداخته اند. در

منابعی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار، با توجه و احترام به اصالت، یکپارچگی و حفظ «بر جستگی و منزلت فرهنگی» این مکان‌ها، بوجود آمده است. با توجه به تلاش کشورهای مختلف در حوزه مشارکت تدوین قوانین پویای حفاظت؛ مانند کشور استرالیا که منشور بورا را در رابطه با اهمیت و ارزش مکان‌های تاریخی به دلیل وضعیت خاص بومیان کشورش ارائه می‌دهد، یا کشور

تکوین مفهوم حفاظت، دید فرهنگی و اجتماعی به این حیطه وارد شده و آن را تکامل می‌بخشد به گونه‌ای که در استاد و منشورهای دو دهه اخیر به ویژه منشور ایکوموس نیوزلند(۱۹۹۳)، سند نارا(۱۹۹۴)، منشور بورا(۱۹۹۹)، منشور ایکوموس(۲۰۰۳) و منشور ایکوموس(۲۰۰۸)، تحول شگرفی در تعریف اصول، دستورالعمل‌ها و معیارهای استقاده از مکان‌های فرهنگی - تاریخی به عنوان

جدول ۱- بررسی و دسته بندی مهمندان منقرض، بیانیه ها و منشورهای بین المللی اینکو موسر بر مبنای «حا، حوب حفاظت و با آفرینش رکاب، حه» در دو یقه اخیر.

تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازارآفرینی یکپارچه در بافت  
های فرهنگی - تاریخی

سنند، نام سند، سال انتشار آن، نهاد مسئول، هدف، حوزه مداخله و اصول پیشنهادی سند، بر مبنای رویکرد حفاظت و بازارآفرینی یکپارچه ارائه نمود (جدول ۱). در این میان سطح اهمیت سند به سه دسته کلی بین المللی، منطقه ای و ملی تقسیم می شود، بخش مهمی از این استناد مربوط به منشورها، بیانیه ها و استناد مصوب ایکوموس می شوند: الف- «منشورهای مصوب مجمع عمومی ایکوموس<sup>۱۶</sup>»، [درجه اهمیت ۱]؛ ب- «بیانیه های مصوب سپمپوزیومهای ایکوموس<sup>۱۷</sup>»، [درجه اهمیت ۲]؛ ج- منشورهایی مصوب کمیته ملی ایکوموس<sup>۱۸</sup>، [درجه اهمیت ۳].

## ۲- بررسی سیر تکاملی رویکردها، سیاست ها و برنامه های حفاظت و بازارآفرینی در بافت های فرهنگی - تاریخی

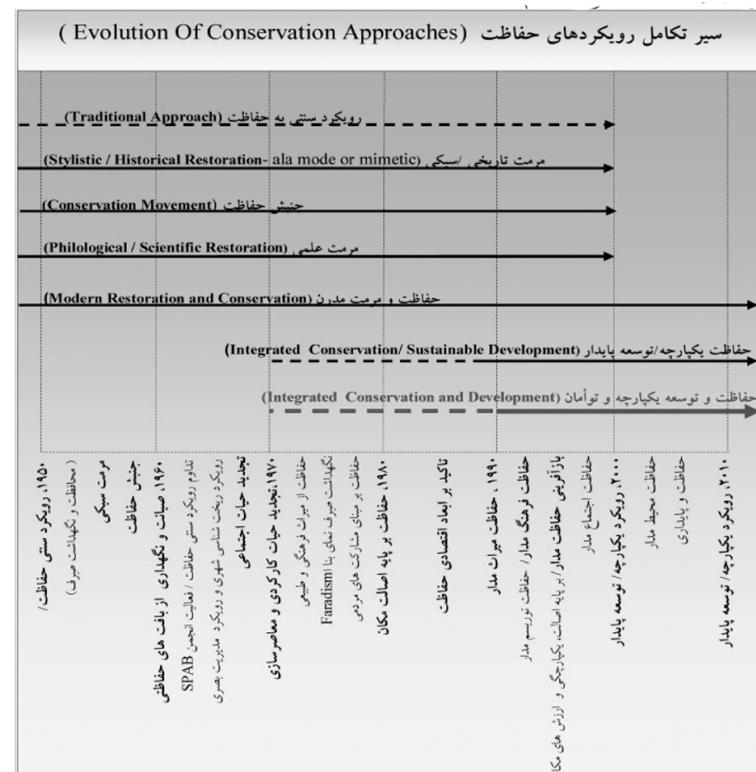
تحولات دهه ۱۹۷۰ م را می توان شروع نخستین گام های عملی به سوی ایجاد فصل مشترک فی مابین حفاظت و توسعه تلقی نمود. در انگلستان شهرهای بث، چستر چی چستر و یورک در رده نخستین شهرهای مجری برنامه های مرمت شهری به شمار می آیند که موضوع حفاظت را به عنوان محرك هایی برای توسعه و بازارآفرینی در برنامه ریزی شهرهای تاریخی خود مورد توجه قرار دادند (حبیبی، ۱۳۸۶). علی رغم وجود تفاوت ها، (۱) همه این طرح ها در اصل طرح هایی جامع بوده اند و (۲) همگی حامی ایجاد تعامل میان حفاظت از ویژگی ها و ارزش های تاریخی شهر با تجدو توسعه بودند» (Pendelbury, 2005, 296&270)؛ در ایتالیا، طرح های مربوط به شهرهای اسیسی، گوبیو، و وینچنزا به عنوان نخستین تجارت و در ادامه اوربینو، بولونیا و فرارا سایر تجارت این دوره بودند که مراکز تاریخی را در قالب یک رویکرد یکپارچه مورد توجه قرار دادند، اما همچنان تمرکز روی بناهای تاریخی بود (Jokilehto, 2007).

از موارد قابل توجه در این دوره می توان به آغاز رویکرد استفاده از ابینه و آثار تاریخی و گرایش به بازارآفرینی کارکردی و باززنده سازی آنان اشاره نمود.

در این دوره توجه ویژه ای به حفظ ارزش های فرهنگی، تاریخی، زیبایی شناختی و اجتماعی صورت می گیرد؛ همچنین این دوره آغازگر توجه به ارزش های اجتماعی میراث و زمینه ساز تعمیم نگرش حفاظت از ارزش ها از مقایس بنابه بافت می باشد، شروع آن را می توان از تصویب قطعنامه آمستردام در سال ۱۹۷۵ م دانست. بروز

ژاپن که سند نارا را به دلیل سنت های خاص خود مطرح می کند یا منشور ایکوموس نیوزیلند که به منظور حفاظت از میراث فرهنگی کشور نیوزیلند ارائه می گردد؛ در ایران بایستی تلاش بیشتری به منظور تدوین استناد و قولانین ممکن بر اعتقادات، فرهنگ و هویت بومی جامعه ایرانی صورت پذیرد. همسو شدن کشور ما با این روند تکاملی در طی سال های متمادی مشهود است ولی تاخیر زمانی مانسبت به مسیر تحول و عدم توجه به برخی از توصیه ها باعث افول محیط های ارزشمند تاریخی در ایران گردیده است که در صورت توجه به موقع به منشورهای بین المللی که دستاورده جامعه جهانی می باشند شاید می توانست مانع این آسیب ها گردد. به هر حال آنچه تاکنون در کشور مارعایت شده سطحی فراتر از همان منشور و نیز نبوده است هرچند که در سال های اخیر توجه به مفاهیم و ساز و کارهای مشارکت های مردمی و بسترسازی به منظور ایجاد هماهنگی بین ادارات و سازمان های مختلف و موضوع مدیریت یکپارچه مورد توجه قرار گرفته است، اکن به علت عدم بسترسازی و آگاهی های کافی در این زمینه نتوانسته اند راه به جایی ببرند. بنظر می رسد که در سیاست ها و خط مشی های مورد استفاده نیاز است که با استفاده از تجربیات جهانی که در منشورها ارائه شده و همچنین با شناخت کافی از شرایط کشور جهت بومی سازی دستاوردهای جهانی در قالب منشور حفاظت در ایران بکوشیم.

در ادامه نتایج حاصل از بررسی و دسته بندی استناد منتشره، کتوانسیون ها، بیانیه ها و منشورهای بین المللی در حوزه حفاظت و بازارآفرینی را می توان در قالب جدولی به تفکیک سطح اهمیت



نمودار ۱- سیر تکامل رویکردها، سیاست ها و برنامه های حفاظت. در این دیاگرام تداوم حضور دیدگاه های متاخر به موازیات دیدگاه های نوین تا اوخر قرن ۲۰ دیده می شود.

برنامه‌های آموزشی پرداخته می‌شود (Larkham, 1999). در این دهه توجه به بعد اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی حفاظت و ایفادی نقش محوری توسعه در سیاست‌ها و رویکردهای حفاظتی و بدنبال آن نقش مهم حفاظت و توجه به ارزش‌های میراث فرهنگی و طبیعی در سیاست‌ها و برنامه‌های این نهضت بوجود آورد (Ashworth, 1991; Pendelberry, 2009). از این رو، «دنه هفتاد را می‌توان تأکید مشخصی بر ارزش‌های اجتماعی میراث دهه هشتاد را تأکید بر پتانسیل‌های اقتصادی میراث و دهه نود را مرکز بر موضوع یکپارچگی در حوزه حفاظت دانست» (Pen-delberry, 2009, 6). از اوآخر قرن بیست، گرایش به استفاده مجدد از اینهای و آثار تاریخی که از دهه‌های پیش آغاز شده بود، مسیر جنبش حفاظت را به سوی استفاده سودآور (اقتصادی) از آثار و اینهای تاریخی متایل نمود. در این دوره، بنای تاریخی حکم منابع کلیدی را در برنامه‌های توسعه و نوسازی دارد و از این پس واژه «میراث» در توسعه محیط‌های تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد و توسعه اقتصادی میراث گرایشی جدید در رویکردهای جدید مدیریت محیط‌های تاریخی به شمار می‌رود.

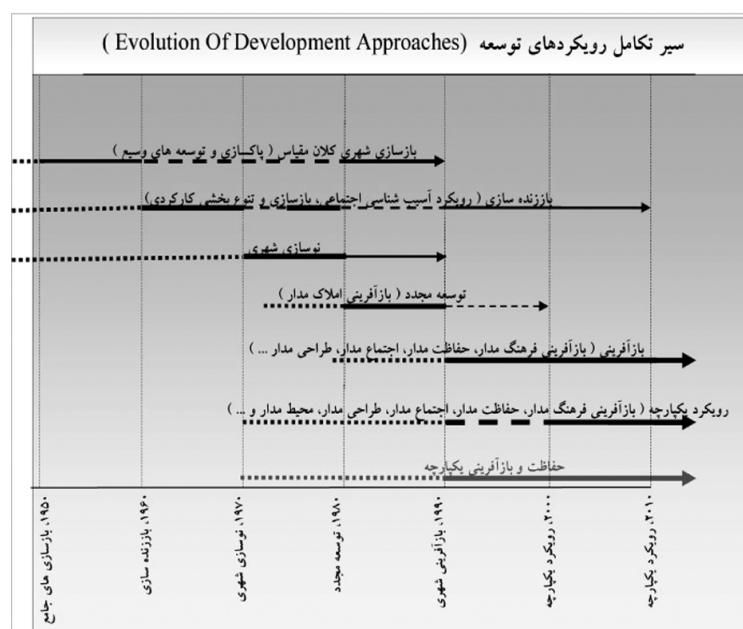
### ۳- «حفظ و بازآفرینی یکپارچه» از طریق سیاست «بازآفرینی حفاظت مبنای»

«حفظ و بازآفرینی یکپارچه» از طریق سیاست «بازآفرینی حفاظت مبنای» این گونه بیان می‌کند که حفاظت و توسعه در پایدار، به منظور برطرف نمودن مشکلات اجتماعی و اقتصادی شهرها و مراکز تاریخی معرفی می‌نماید. امروزه، مفهوم حفاظت به حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی بسط یافته است؛ همچنین، حفاظت قادر به بازگرداندن روند فرسایش و تزییق زندگی جدید در ساختارهای تاریخی می‌باشد» (English Heritage, 1998, 1). در دهه‌های اخیر حفاظت و استفاده مجدد از ساختمان‌های تاریخی مورد توجه قرار گرفته‌اند و به محركی مهم در فرآیند توسعه مبدل گردیده‌اند. پیتر لارکهام (1999) م در ارتباط با نقش اقتصادی حفاظت این گونه بیان می‌کند که حفاظت و توسعه در اصل و ذاتاً دو رویکرد مکمل می‌باشد. میراث انگلستان در سال ۲۰۰۸ م سندی تحت عنوان «اصول حفاظت؛ سیاست‌ها و راهبردهایی برای مدیریت پایدار محیط‌های تاریخی»<sup>۱۹</sup> منتشر نمود، که در آن «حفاظت به معنای فرآیند مدیریت تغییر یک مکان ارزشمند و با اهمیت در بسترهای بافت شهری می‌باشد به نحوی که ارزش‌های میراثی آن به بهترین شکل پایدار بماند، در حالی که فرصت‌هایی به منظور شناسایی و غذا بخشیدن به ارزش‌ها برای نسل‌های حال و آینده وجود دارد» (English Heritage, 2008, 7). بر اساس تعاریف برشمehrde در این سند موضوع حفاظت، توجه و ارتقاء ارزش‌های میراثی را مدنظر قرار می‌دهد و ارائه اصول، سیاست‌ها و قواعد راهنمای این سند بر مبنای سنجش معیارهای «اصالت»، «یکپارچگی» و «ارزش» در مکان تاریخی، استوار می‌باشد. بر مبنای این رویکرد طیف وسیعی از ارزش‌ها در حفاظت مکان تاریخی مورد توجه و سنجش قرار می‌گیرند [ارزش شهودی، ارزش تاریخی، ارزش زیبایی شناختی و ارزش اجتماعی]. در سند دیگری از میراث انگلستان در سال ۲۰۱۰ م،

چنین اقدامات و برنامه‌هایی بیانگر نوعی همگرایی میان سیاست‌های حفاظت و بازآفرینی یا به عبارتی توسعه برای نخستین بار می‌باشد (Ashworth, 1991; Pendelberry, 2009) را می‌توان تأکید مشخصی بر ارزش‌های اجتماعی میراث دهه هشتاد را تأکید بر پتانسیل‌های اقتصادی میراث و دهه نود را مرکز بر موضوع یکپارچگی در حوزه حفاظت دانست» (Pen-delberry, 2009, 6). از اوآخر قرن بیست، گرایش به استفاده مجدد از اینهای و آثار تاریخی که از دهه‌های پیش آغاز شده بود، مسیر جنبش حفاظت را به سوی استفاده سودآور (اقتصادی) از آثار و اینهای تاریخی متایل نمود. در این دوره، بنای تاریخی حکم منابع کلیدی را در برنامه‌های توسعه و نوسازی دارد و از این پس واژه «میراث» در توسعه محیط‌های تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد و توسعه اقتصادی میراث گرایشی جدید در رویکردهای جدید مدیریت محیط‌های تاریخی به شمار می‌رود.

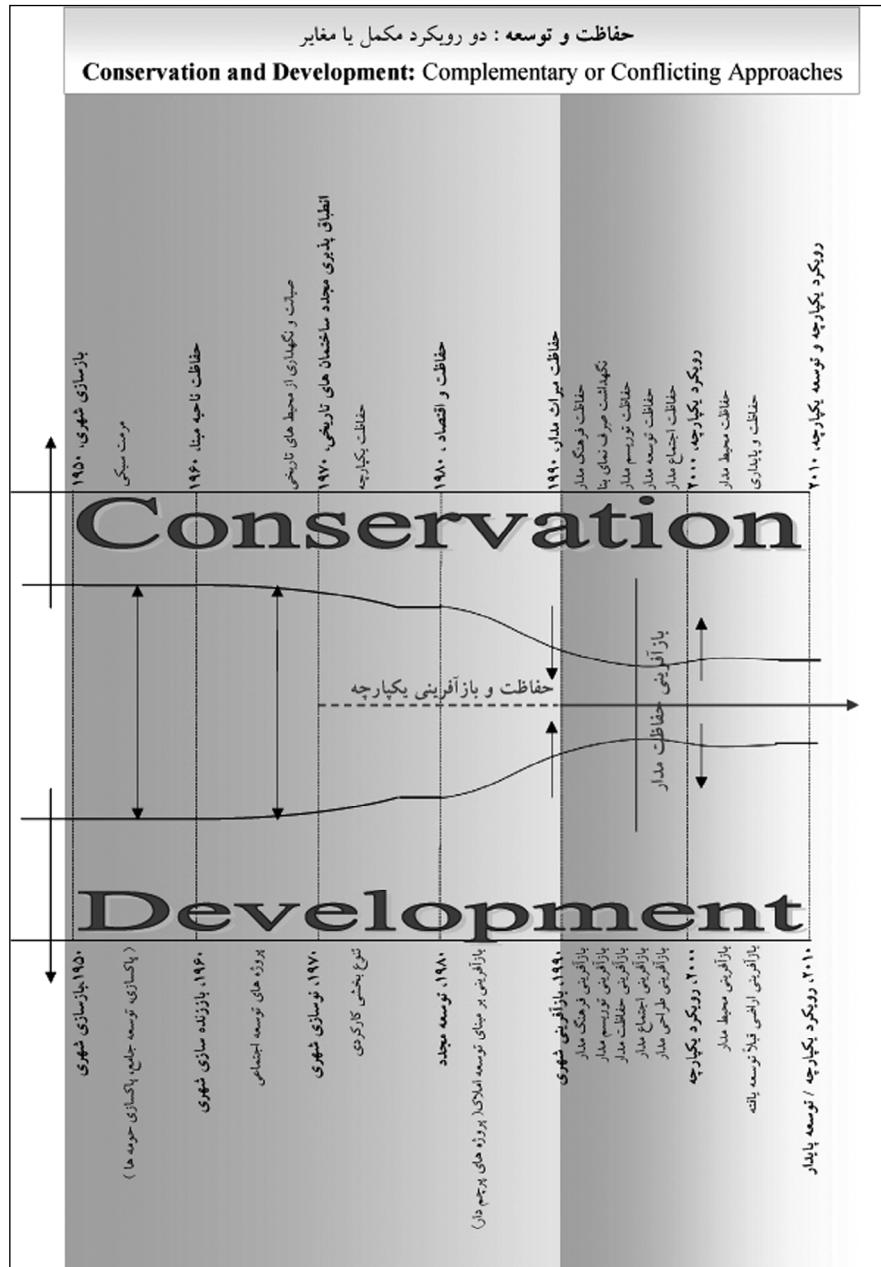
در ادامه در دهه ۱۹۹۰ م در واکنش به انتقادات ایجاد شده پیرامون طرح‌های توسعه مجدد و توسعه مستغلات در دهه ۱۹۸۰ م، تلاش‌هایی به منظور صیانت از مکان‌های تاریخی صورت می‌گیرد و مشارکت اجتماع محلی و شهروندان در فرآیند حفاظت و بازآفرینی، به رسمیت شناخته می‌شود. همچنین توقعات نسبت به کیفیت برنامه‌های بازآفرینی ارقاء می‌باشد. گرایش کالبدی کافی نمی‌باشد، بلکه جنبه‌های دیگری همچون افزایش اشتغال، کاهش فقر، محرومیت اجتماعی، پیش‌بینی تسهیلات اجتماعی و تمهیمات آموزشی، مورد توجه قرار می‌گیرند. از این رو، از دهه ۱۹۹۰ م به بعد، رویکرد «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» مورد توجه قرار می‌گیرد.

در این رویکرد ضمن توجه همه جانبی به طیف متنوعی از ارزش‌های اعم از تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تعمیم قلمرو حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بسترها سیاسی،



نمودار ۲- سیر تکامل رویکردها، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه.

تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت  
های فرهنگی - تاریخی



نمودار ۳- سیر تکامل مفاهیم سیاست ها و برنامه های حفاظت و توسعه از ۱۹۵۰ تاکنون با تکید بر دو راه اخیر.  
ماخذ: (تنظيم بر اساس ایزدی، ۱۳۹۰)

برنامه ریزی و توسعه<sup>۲۲</sup> معرفی می گردند. هدف اصلی از ارائه دو سند نامبرده «درک و شناخت ارزش مکان تاریخی» و «اهمیت شناخت و سنجش معیارهای «اصالت»، «یکپارچگی» و «ارزش نسبی» و در مجموع «برجستگی و منزلت مکان تاریخی» به منظور مدیریت تغییرات و توسعه در محیط تاریخی<sup>۲۳</sup> می باشد. شناخت و سنجش معیار «برجستگی» مکان تاریخی ابزاری مهم و عملی برای مدیریت آگاهانه محیط های تاریخی می باشد، هدف از شناخت آن یاری رساندن به برنامه ریزان، متخصصان حفاظت، مردم، توسعه گران و سایر گروه های دخیل در مدیریت حفاظت و بازآفرینی بافت های تاریخی می باشد، به گونه ای که بواسطه آن بتوان گذشته را در تغییرات جدید و توسعه های معاصر مطرح نمود. استفاده مجدد از ساختارهای

تحت عنوان «ساختن گذشته به عنوان بخشی از آینده<sup>۲۴</sup>» افزایش توجه مردم به محیط تاریخی، «برجستگی و منزلت فرهنگی آن»، به عنوان مهم ترین تغییرات دو دهه گذشته معرفی شده اند. بسیاری از مردم، محیط تاریخی را امروزه یکی از عوامل تقویت حس تعلق به مکان، آسایش و رفاه اجتماعی، کیفیت بخشی، تنوع و معنابخشی به مکان به شمار می آورند. از این رو حفاظت و توسعه بافت های تاریخی به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از زندگی معاصر و پایه ای برای زندگی فردا می باشند. در پایان دو سند دیگر از مجموعه اسناد منتشره میراث انگلستان در سال ۲۰۱۰ با عنوان «درک مکان؛ شناخت و سنجش مکان تاریخی: بررسی اصول و اقدامات عملی<sup>۲۵</sup>» و «درک مکان؛ شناخت و سنجش مکان تاریخی در بستر

جدول ۲- معیارها و مولفه‌های تعیین کننده «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» با ذکر منابع مورد استفاده.

معیارهای اصلی چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه	زیر معیارهای تعیین کننده چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه
۱- بر جستگی:	۱- اصالت:
(۱) Doratli, ۲۰۰۴, ۲۰۰۵; (۲) Larkham, ۱۹۹۶; (۳) Jokilehto, ۲۰۰۷; (۴) Pendelberry, ۲۰۰۹	(۱) Stovel, ۲۰۰۷; (۲) Jokilehto, ۲۰۰۷; (۳) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۴) Larkham, ۱۹۹۶; (۵) Pendelberry, ۲۰۰۹;
(۵) طالبیان، ۱۳۸۴: (۶) «منشور ایکوموس نیوزیلند، ۱۹۹۳ م»؛ (۷) «منشور ایکوموس نیوزیلند، ۱۹۹۴ م»؛ (۸) «سند نار، ۱۹۹۴ م»؛ (۹) «بیانیه مکریکوستی، ۱۹۹۹ م»؛ (۱۰) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی، ۲۰۰۴ م»؛ (۱۱) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی، ۲۰۰۸ م».	(۶) طالبیان، ۱۳۸۴: (۷) «منشور ایکوموس نیوزیلند، ۱۹۹۳ م»؛ (۸) «سند نار، ۱۹۹۴ م»؛ (۹) «بیانیه مکریکوستی، ۱۹۹۹ م»؛ (۱۰) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی، ۲۰۰۴ م»؛ (۱۱) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی، ۲۰۰۸ م».
۲- یکپارچگی:	۲- یکپارچگی:
(۱) Strange, ۱۹۹۷; (۲) Strange and Whitney, ۲۰۰۳; (۳) Jokilehto, ۲۰۰۷; (۴) Stovel, ۲۰۰۷; (۵) Pendelberry, ۲۰۰۹	(۱) Strange, ۱۹۹۷; (۲) Strange and Whitney, ۲۰۰۳; (۳) Jokilehto, ۲۰۰۷; (۴) Stovel, ۲۰۰۷; (۵) Pendelberry, ۲۰۰۹
(۷) طالبیان، ۱۳۸۴: (۸) «منشور ایکوموس نیوزیلند، ۱۹۹۳ م»؛ (۹) «بیانیه مکریکوستی، ۱۹۹۹ م»؛ (۱۰) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی، ۲۰۰۴ م»؛ (۱۱) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی، ۲۰۰۸ م».	(۷) طالبیان، ۱۳۸۴: (۸) «منشور ایکوموس نیوزیلند، ۱۹۹۳ م»؛ (۹) «بیانیه مکریکوستی، ۱۹۹۹ م»؛ (۱۰) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی، ۲۰۰۴ م»؛ (۱۱) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی، ۲۰۰۸ م».
۳- ارزش نسبی:	۳- ارزش نسبی:
(۱) Jokilehto, ۲۰۰۷;	(۱) Jokilehto, ۲۰۰۷;
(۲) طالبیان، ۱۳۸۴: (۳) «منشور ایکوموس نیوزیلند، ۱۹۹۳ م»؛ (۴) «سند نار، ۱۹۹۴ م»؛ (۵) «بیانیه مکریکوستی، ۱۹۹۹ م»؛ (۶) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی، ۲۰۰۴ م»؛ (۷) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی، ۲۰۰۸ م».	(۲) طالبیان، ۱۳۸۴: (۳) «منشور ایکوموس نیوزیلند، ۱۹۹۳ م»؛ (۴) «سند نار، ۱۹۹۴ م»؛ (۵) «بیانیه مکریکوستی، ۱۹۹۹ م»؛ (۶) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی، ۲۰۰۴ م»؛ (۷) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی، ۲۰۰۸ م».
۴- توسعه فیزیکی	۴- توسعه فیزیکی
(۱) Roberts & Sykes, ۲۰۰۰; (۲) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۳) Doratli, ۲۰۰۴, ۲۰۰۵; (۴) Altrock, ۲۰۰۶; (۵) Pendelberry, ۲۰۰۹; (۶) Ashworth, ۱۹۹۱; (۷) Pearce, ۱۹۹۴; (۸) Larkham, ۱۹۹۶;	(۱) Roberts & Sykes, ۲۰۰۰; (۲) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۳) Doratli, ۲۰۰۴, ۲۰۰۵; (۴) Altrock, ۲۰۰۶; (۵) Pendelberry, ۲۰۰۹; (۶) Ashworth, ۱۹۹۱; (۷) Pearce, ۱۹۹۴; (۸) Larkham, ۱۹۹۶;
۵- توسعه کارکردی	۵- توسعه کارکردی
(۱) Pearce, ۱۹۹۴; (۲) Pendelberry, ۲۰۰۰, ۲۰۰۹; (۳) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۴) Altrock, ۲۰۰۶; (۵) Ashworth, ۱۹۹۱; (۶) Doratli, ۲۰۰۴, ۲۰۰۵; (۷) Larkham, ۱۹۹۶;	(۱) Pearce, ۱۹۹۴; (۲) Pendelberry, ۲۰۰۰, ۲۰۰۹; (۳) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۴) Altrock, ۲۰۰۶; (۵) Ashworth, ۱۹۹۱; (۶) Doratli, ۲۰۰۴, ۲۰۰۵; (۷) Larkham, ۱۹۹۶;
۶- توسعه فرهنگی-اجتماعی	۶- توسعه فرهنگی-اجتماعی
(۱) Roberts & Sykes, ۲۰۰۰; (۲) Urban Task Force, ۱۹۹۹; (۳) Bianchini and Parkinson, ۱۹۹۳; (۴) Strange and Whitney, ۲۰۰۳; (۵) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۶) Altrock, ۲۰۰۶; (۷) Pendelberry, ۲۰۰۹; (۸) Ashworth, ۱۹۹۱; (۹) Doratli, ۲۰۰۴, ۲۰۰۵; (۱۰) Pearce, ۱۹۹۴;	(۱) Roberts & Sykes, ۲۰۰۰; (۲) Urban Task Force, ۱۹۹۹; (۳) Bianchini and Parkinson, ۱۹۹۳; (۴) Strange and Whitney, ۲۰۰۳; (۵) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۶) Altrock, ۲۰۰۶; (۷) Pendelberry, ۲۰۰۹; (۸) Ashworth, ۱۹۹۱; (۹) Doratli, ۲۰۰۴, ۲۰۰۵; (۱۰) Pearce, ۱۹۹۴;
(۱۱) «منشور ایکوموس نیوزیلند، ۱۹۹۳ م»؛ (۱۲) «سند نار، ۱۹۹۴ م»؛ (۱۳) «منشور بورا، ۱۹۹۹ م»؛ (۱۴) «بیانیه مکریکوستی، ۱۹۹۹ م»؛ (۱۵) «کتوانسیون حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی ناملوس، ۲۰۰۳ م»؛ (۱۶) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی، ۲۰۰۸ م».	(۱۱) «منشور ایکوموس نیوزیلند، ۱۹۹۳ م»؛ (۱۲) «سند نار، ۱۹۹۴ م»؛ (۱۳) «منشور بورا، ۱۹۹۹ م»؛ (۱۴) «بیانیه مکریکوستی، ۱۹۹۹ م»؛ (۱۵) «کتوانسیون حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی ناملوس، ۲۰۰۳ م»؛ (۱۶) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی، ۲۰۰۸ م».
۷- سرزنشگی اقتصادی	۷- سرزنشگی اقتصادی
(۱) Pendelberry, ۲۰۰۰, ۲۰۰۹; (۲) Urban Task Force, ۱۹۹۹; (۳) Strange and Whitney, ۲۰۰۳; (۴) Doratli, ۲۰۰۵; (۵) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۶) Pearce, ۱۹۹۴; (۷) Larkham, ۱۹۹۶;	(۱) Pendelberry, ۲۰۰۰, ۲۰۰۹; (۲) Urban Task Force, ۱۹۹۹; (۳) Strange and Whitney, ۲۰۰۳; (۴) Doratli, ۲۰۰۵; (۵) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۶) Pearce, ۱۹۹۴; (۷) Larkham, ۱۹۹۶;
(۸) «بیانیه مکریکوستی، ۱۹۹۹ م»؛ (۹) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی، ۲۰۰۴ م»؛ (۱۰) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی، ۲۰۰۸ م».	(۸) «بیانیه مکریکوستی، ۱۹۹۹ م»؛ (۹) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی، ۲۰۰۴ م»؛ (۱۰) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی، ۲۰۰۸ م».

## ۴- در جستجوی تدوین چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه»

در این بخش، به منظور آگاهی از معیارهای اصلی شکل دهنده «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه»، در قسمت اول اهمیت «بر جستگی» به عنوان معیار اصلی «چارچوب حفاظت یکپارچه»<sup>۲۴</sup> بیان می شود. همچنین عوامل تعیین کننده معیار «بر جستگی» شامل؛ «ارزش نسبی»، «اصالت» و «یکپارچگی» معرفی می گردد. دو مین قسمت این بخش، «چارچوب بازآفرینی یکپارچه»<sup>۲۵</sup> را معرفی می کند و «سرزندگی اقتصادی»<sup>۲۶</sup> را به عنوان معیار کلیدی «بازآفرینی یکپارچه» مطرح می نماید. عوامل دیگری همچون؛ «بازآفرینی فیزیکی»، «بازآفرینی یکپارچه» و «بازآفرینی فرهنگی-اجتماعی»، به عنوان عوامل تعیین کننده معیار «سرزندگی

تاریخی و خلق فضاهای جدید، بر مبنای احترام به معیارهای «اصالت»، «یکپارچگی»، «ارزش»، «اصالت» و در مجموع «بر جستگی و منزلت مکان تاریخی»، به عنوان مهم ترین محركه های توسعه در برنامه های سیاست «بازآفرینی حفاظت مبنای» مورد توجه می باشدند. سیاست «بازآفرینی حفاظت مبنای» بیشترین تعامل و همگرایی را میان برنامه ها و اقدامات حفاظت و بازآفرینی (توسعه) در مکان های تاریخی فراهم می کند (نمودار ۳). در ادامه با توجه به مطالب ارائه شده، به بحث پیرامون «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» و معرفی معیارهای اصلی تعیین کننده آن به عنوان محسوب مقاله حاضر پرداخته می شود. از این رو، مهم ترین معیارها و مولفه های تعیین کننده «چارچوب حفاظت یکپارچه» و «چارچوب بازآفرینی یکپارچه» با ذکر منابع مورد استناد در جدول دو<sup>۲۷</sup> معرفی می گردد. و در بخش بعدی «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» به عنوان چارچوب مفهومی مقاله حاضر معرفی می گردد.

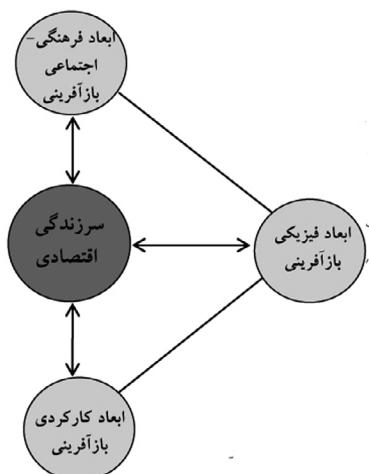
تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت  
های فرهنگی - تاریخی

را بر عهده داردند (تصویر ۱). «چارچوب حفاظت یکپارچه» به عنوان بخشی از چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» با یستی نیروهای توسعه ای را در تعامل با «برجستگی»، مکان تاریخی مورد توجه قرار دهد و در راستای تحقق «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» با یستی تعامل و تعادل میان معیارهای «برجستگی» و «سرزنندگی اقتصادی» در بافت های تاریخی برقرار گردد.

#### ۴- بازآفرینی یکپارچه؛ سرزنندگی اقتصادی به عنوان معیار کلیدی

«مراکز تاریخی شهری باید به عنوان بخشی از پویایی اقتصاد شهر مورد توجه قرار گیرند؛ آنها مناطقی مستقل به لحاظ کارکردی نمی باشند و معمولاً نوعی رابطه هم زیستی با سایر مناطق شهر دارند. همچنین مراکز تاریخی تنها به منظور اقدامات حفاظتی مورد توجه نمی باشند بلکه باید برای بازآفرینی نیز مورد توجه قرار گیرند» (Tiesdell et al., 1996; cited in Dorati et al., 2004, 751).

دومین قسمت این بخش «چارچوب بازآفرینی یکپارچه» را مورد شناسایی قرار می دهد و «سرزنندگی اقتصادی» را به عنوان معیار کلیدی این بخش معرفی می کند. همچنین «بازآفرینی فیزیکی»<sup>۷</sup>، «بازآفرینی کارکردی»<sup>۸</sup> و «بازآفرینی اجتماعی - فرهنگی»<sup>۹</sup> را به عنوان ابعاد مختلف بازآفرینی یکپارچه معرفی می کند که بر معیار «سرزنندگی اقتصادی» تاثیرگذار می باشند (تصویر ۲). درک این عوامل و فرآیندها به منظور شکل گیری «چارچوب بازآفرینی یکپارچه» و تجزیه و تحلیل اقدامات بازآفرینی در بافت های تاریخی ضرورت دارد. هرچند که انواع مختلف بازآفرینی، فیزیکی، کارکردی و فرهنگی - اجتماعی، به منظور معاصرسازی بافت های تاریخی ضرورت دارد. هرچند که امکان به بریداری اقتصادی از مکان، به گونه ای می باشد که ارزش کافی به منظور پوشش هزینه های بازآفرینی و نوسازی را ایجاد کند؛ بازگشت سرمایه را برای مالکان یا توسعه گران فراهم آورد و درآمد لازم به منظور هزینه های بلند مدت نگهداری و حفاظت از بنایها و بافت های تاریخی را تأمین نماید (English, 2008).



تصویر ۲- چارچوب حفاظت یکپارچه.

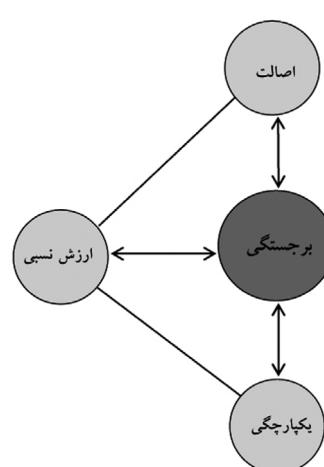
اقتصادی» مورد توجه قرار می گیرند. درک و شناخت این عوامل و معیارها به منظور شکل گیری و تدوین «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» و تجزیه و تحلیل طرح های بازآفرینی در بافت های تاریخی ضروری به نظر می رسد.

#### ۴-۱- حفاظت یکپارچه؛ برجستگی به عنوان معیار کلیدی

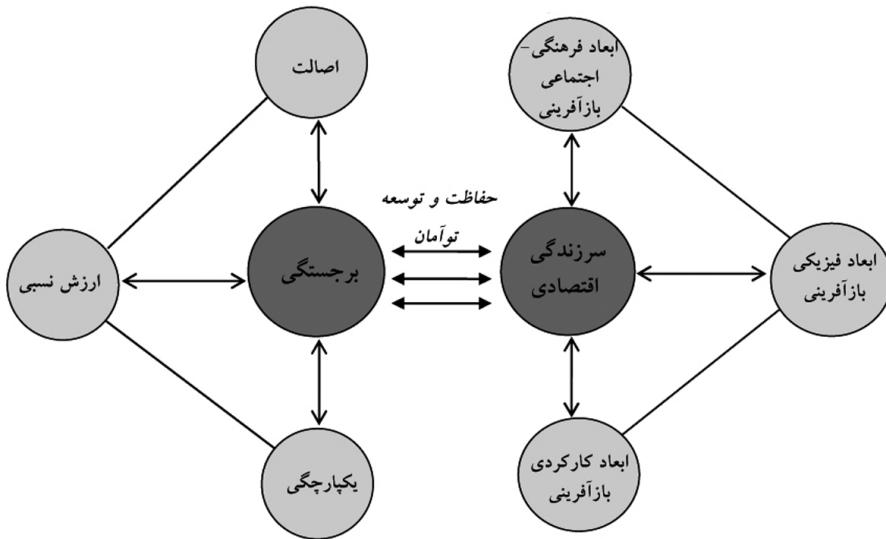
«برجستگی و منزلت فرهنگی اصطلاحی است که متخصصان حفاظت به منظور خلاصه نمودن ارزش های چند گانه میراث از آن استفاده می کنند (Getty Conservation Institute, 2000, 8). در منشور بورا، برجستگی به عنوان مجموع ارزش های زیبایی شناختی، تاریخی، علمی، اجتماعی یا معنوی برای نسل های گذشته، حال و آینده قلمداد شده است (Jokilehto, 1998).

بررسی های صورت گرفته در این زمینه نشان می دهند که مفاهیم کنونی حفاظت به صورت گسترده ای موضوع حفاظت را در سیاستگزاری و برنامه ریزی شهری مورد توجه قرار داده اند. در این زمینه، برخی از کمیته های ملی ایکوموس مانند: ایکوموس استرالیا، ایکوموس نیوزیلند و برخی سازمان ها از جمله؛ میراث انگلستان و بسیاری دیگر از نمایندگی های دولتی و غیردولتی (NGOs)، سیاست هایی را به منظور مدیریت «حفاظت یکپارچه» تدوین نموده اند و از روش های برنامه ریزی ارزش محور به منظور استفاده موثر از ارزش هادر فرآیند سیاستگزاری و برنامه ریزی حفاظت یکپارچه» تلاشی است به منظور شناسایی فرآیند مدیریت مکان میراثی، که به بهترین شکل ارزش های میراثی مکان را پایدار می سازد، در حالی که فرصت ها را به منظور آشکارسازی یا تقویت ارزش ها برای نسل های حال و آینده به رسمیت می شناسد (English Heritage, 2008).

«برجستگی» به عنوان معیار کلیدی «چارچوب حفاظت یکپارچه» می باشد؛ همچنین مولفه های «ارزش نسبی»، «اصالت» و «یکپارچگی» تعیین کننده معیار «برجستگی» مکان می باشند. عوامل مذکور در سنجه «برجستگی» مکان تاریخی نقش مهمی



تصویر ۱- چارچوب حفاظت یکپارچه.



تصویر ۳ - چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه.

یکپارچگی و تعادل بایستی با معیار «سرزندگی اقتصادی» در رابطه و تعامل باشند و عوامل موثر و تعیین کننده «چارچوب حفاظت یکپارچه» شامل؛ اصالت، یکپارچگی و ارزش نسبی بایستی با معیار «برجستگی» در رابطه و تعامل باشند. نتیجتاً به منظور شکل گیری «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه»، معیارهای «برجستگی» و «سرزندگی اقتصادی» بایستی در تعامل و تعادل با یکدیگر قرار گیرند (تصویر ۳). در این میان سیاست بازآفرینی حفاظت مبنایاً به عبارتی جامع تر حفاظت و توسعه توأمان بیشترین همگرایی و نزدیکی را میان معیارهای «برجستگی» و «سرزندگی اقتصادی» ایجاد می کند و نقش موثری در «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» دارد.

Heritage, 2008)، هرچند که، حفظ ارزش‌ها و «برجستگی» مکان تاریخی به عنوان مهم‌ترین اصل در بازآفرینی محیط‌های تاریخی همواره باید مقام بر همه امور باشد.

#### ۴-۳- چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه؛ برجستگی و سرزندگی اقتصادی به عنوان معیارهای کلیدی آن

چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه از دو بخش «حفاظت یکپارچه» و «بازآفرینی یکپارچه» تشکیل شده است. در «چارچوب بازآفرینی یکپارچه»؛ انواع بازآفرینی فیزیکی، کارکردی و فرهنگی - اجتماعی به منظور تحقق و ایجاد

## نتیجه

«سیاست بازآفرینی حفاظت مبنای» استوار سازند و از طرفی دیگر، متخصصان و مدیران امر حفاظت از مکان‌های فرهنگی-تاریخی نیز باید در تدوین راهبردها و سیاست‌های حفاظت، توجه ویژه به امر توسعه و بازآفرینی بر مبنای رویکردی یکپارچه و کل نگر داشته باشند و معیار «سرزندگی اقتصادی» را در تعامل و تعادل با معیار «برجستگی» مکان تاریخی و عوامل «اصالت»، «یکپارچگی» و «ارث نسبی» مکان تاریخی مورد توجه قرار دارد. بر نامه‌های خود را بر مبنای «سیاست حفاظت توسعه مبنای» شکل دهند. هرچندکه، تحقق یکپارچگی میان اهداف حفاظت و بازآفرینی چالشی است نه تنها برای این نسل، بلکه چالشی هست که بر طرف نمودن آن نیاز به تعهد همه اقشار و گروه‌ها در همه نسل‌ها دارد. از این رو، راهکارها برای هرگونه اقدام در هر زمینه‌ای، باید همه‌جانبه، بومی شده و در عین حال متنوع و بر مبنای حفظ «برجستگی و ارزش‌های» آن زمینه و مکان خاص باشند. لذا نگاه ما در ایران باید به بررسی امکان چگونگی

در این مقاله ضمن تدوین چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» بر پایه بررسی مجموعه‌ای از نظریات، اسناد و مستندات، معیارهای «سرزندگی اقتصادی» و «برجستگی» به عنوان معیارهای کلیدی به منظور تدوین چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» معرفی گردیدند. درک و شناخت این معیارهای نقش قابل ملاحظه‌ای در موقیت طرح‌ها و برنامه‌های حفاظت و بازآفرینی در بافت‌های فرهنگی - تاریخی بر عهده دارند. به علاوه ذکر این نکته ضروری است که امروزه حفاظت و توسعه به مثابه دو جریان مکمل مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری قرار گرفته‌اند و متولیان امر توسعه بایستی برای تحقق برنامه‌های توسعه‌ای در بافت‌های فرهنگی - تاریخی به تدوین سیاست‌های مشترک با مدیران بخش حفاظت بر پایه رویکردی متعادل، همه جانبه نگر و یکپارچه بر مبنای توجه به معیارهای «سرزندگی اقتصادی» و «برجستگی» مکان به صورت توأمان پرداخته و برنامه‌های خود را بر اساس

دو واژه «حفظ و توسعه» می‌تواند موجب انتقال کچ اندیشی و حتی خطرساز برای حوزه میراث فرهنگی تلقی گردد. قرار گیری این دو واژه در تفکر و فرهنگ مدرن، بواسطه تلاش هایی که از دهه ۱۹۷۰ م به این سو به منظور ایجاد یکپارچگی، جامع نگری و رفع معایب گذشته صورت پذیرفته است، نتایج مثبتی داشته است؛ حال آنکه صاحب‌نظران و متخصصین ما در ایران باید با تلاش خود، گام‌های پس از آن رادر انتباط با شرایط زمینه ایران متصور شوند و به جای نهایی تلقی نمودن دست یافته‌ها و نتایج بدست آمده در تفکر و فرهنگ غرب به مقاهیمی بیندیشند که از عمق فرهنگ ایرانی- اسلامی قابل استنتاج باشد.

استخراج مفهوم و روش‌های توسعه از بستر میراث فرهنگی ایرانی- اسلامی، متمرکز باشد. باید این نکته را مدنظر قرار داد؛ که «توسعه و نوسازی» در ایران و هر زمینه دیگری؛ هنگامی می‌تواند در تعامل با حفاظت از «برجستگی و ارزش‌های ملموس و ناملموس» میراث معماری و شهری قرار گیرد که بر مبنای متنکی بر میراث فرهنگی ایران اسلامی یا به عبارتی زمینه اقدام شکل بگیرد. معیار «برجستگی»، به عنوان معیاری جدی و بنیادی در اقدامات توسعه ای باید مورد توجه قرار گیرد؛ از این رو، توسعه در صورتی می‌تواند متعالی و منجر به بازآفرینی گردد که از دل میراث فرهنگی بیرون آید. در غیر این صورت، کنار هم قرار دادن میراث فرهنگی بیرون آید.

## پی نوشت ها:

۲۳. برای اطلاع بیشتر از فهرست و مواد قطعنامه‌ها، کنوانسیون‌ها و بیانیه‌های مورد اشاره در جدول دو رجوع شود به: حناچی و همکاران، ۱۲۸۹

24 Integrated Conservation Framework.

25 Integrated regeneration framework.

26 Economic vitality.

27 Physical regeneration.

28 Functional regeneration.

29 Socio-cultural regeneration.

1 Getty Conservation Institute(GCI).

2 UNESCO.

3 ICOMOS.

4 ICCROM.

5 ICOM.

6 OWHS – Organization of world Heritage Cities.

7 ENGLISH HERITAGE.

8 Conservation Led-Regeneration.

9 Conservation through Regeneration.

10 Authenticity.

11 Integrity.

12 Relative value.

13 Significance.

۱۴ در این میان سطح اهمیت سند به سه دسته کلی بین المللی، منطقه‌ای و ملی تقسیم می‌شود، بخش مهمی از این اسناد مربوط به منشورها، بیانیه‌ها و اسناد مصوب ایکوموس می‌باشد.

۱۵ برای اطلاعات بیشتر پیرامون متن هریک از قطعنامه‌ها و اسناد مربوطه رجوع کنید به: حناچی و همکاران، ۱۲۸۹.

16 Charters adopted by the general assembly of ICOMOS.

17 Resolutions and Declarations of ICOMOS Symposia.

18 Charters adopted by ICOMOS National Committees.

19 Conservation Principles: policies And Guidance for the sustainable management of historic environment, 2008.

20 Making the past part of our future, English Heritage Strategy 2005-2010.

21 Heritage area assessment : principles and practice, 2010.

22 Understanding place: Historic Area Assessments in a Planning and Development Context, English Heritage 2010.

## فهرست منابع:

ایزدی، محمد سعید (۱۳۹۰)، بازآفرینی شهری کنشی و بینش جامع و یکپارچه در ساماندهی محدوده های هدف برنامه های بهسازی و نوسازی شهری، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، شماره ۲۳-۲۴، صص ۷۳-۸۱.

حناچی، پیروز و همکاران (۱۳۸۶)، حفاظت و توسعه در ایران (تجزیه و تحلیل تجارب مرمت در بافت های با ارزش شهرهای تاریخی ایران)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۲، صص ۵۱-۶۰.

حناچی، پیروز و همکاران (۱۳۸۹)، مطالعه، ارزیابی، تدوین طرح های شرکت عمران و بهسازی شهری ایران و نقد مباحث نظری مربوط به آنها با هدف دستیابی به راهکار مناسب برای مداخله در بافت های شهری، اداره کل پژوهش های کاربردی دانشگاه تهران و شرکت عمران و بهسازی.

حیبی، سید محسن و مقصودی، مليحه (۱۳۸۶)، مرمت شهری، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

طالبیان، محمد حسن (۱۳۸۴)، نقش مفهوم اصلاحات در حفاظت محوطه های میراث چهانی؛ تجاری از دوران تاسیس برای حفاظت مبتنی بر اصلاحات، پایان نامه دکتری؛ دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، صص ۸۴-۱۰۰.

لطفی، سهند (۱۳۸۷)، حفاظت و بازآفرینی شهری، مفاهیم و شرایط (با تأکید بر سالهای دهه ۱۹۹۹ م تاکنون)، پایان نامه دکتری؛ دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

- Pendlebury, J. (2000), Conservation, Conservatives and Consensus: The Success of Conservation under the Thatcher and Major Governments, 1979–1997. *Planning Theory & Practice*, 1, pp. 31-52.
- Pendlebury, J. (2005), 'The Modern Historic City: Evolving Ideas in Mid-20th-century Britain', *Journal of Urban Design*, 10, (2), pp. 253-273.
- Pendlebury, J. (2009), *Conservation in the age of consensus*, USA and Canada: Rutledge.
- Roberts, PW and Sykes, H. ( 2000 ), *Urban Regeneration: A Hand Book*, London : Sage.
- Strange, I. (1997), Planning for change, conserving the past: towards sustainable development policy, *in historic cities?*, Cities, 14, (4), pp. 227-233.
- Strange, I. & Whitney, D. (2003), The changing roles and purposes of heritage conservation in the UK, *Planning Practice and Research*, 18, pp. 219-229.
- Stovel H (2007), Effective use of authenticity and integrity as world heritage qualifying conditions. *City & Time*, 2 (3): 3. online.
- Tiesdell, S, OC, T and Heath, T (1996), *Revitalizing Historic Urban Quarters*, Oxford, Architectural Press.
- Urban Task Force (1999), *Towards an Urban Renaissance*, London : Department Of The Environment, Transport and The Regions.
- Altrock, Uwe et al (2006), *Spatial planning and urban development in the new EU member states: from adjustment to reinvention*, Ashgate publishing: USA.
- Ashworth, G.J. (1991), *Heritage planning*. Conservation as the management of urban change, Geo pers.
- Bianchini, f. and Parkinson, M. (1993), *Cultural Policy and Urban Regeneration: The Western European Experience*, Manchester: Manchester university Press.
- Doratli, N. (2005), Revitalizing historic urban quarters: A model for determining the most relevant strategic approach, *European Planning Studies*, 13(5), pp. 749–772.
- Doratli, N, Hoskara, S. O and Fasli, M (2004), An analytical methodology for revitalization strategies in historic urban quarters: A case study of the walled city of Nicosia, North Cyprus. *Cities*, 21(4), pp. 329–348.
- English Heritage (1998), *Conservation-led Regeneration: The Work of English Heritage*. English Heritage, London.
- English Heritage (2008), Conservation Principles: Policies and Guidance for the Sustainable Management of the *Historic Environment*, English Heritage, London.
- English Heritage (2010), *Understanding place: Historic Area Assessments in a Planning and Development Context*, 1 English Heritage, London.
- English Heritage (2010), *Heritage area assessment : principles and practice*, English Heritage, London.
- English Heritage (2010), *Making the past part of our future, English Heritage Strategy 2005-2010*, English Heritage, London.
- Getty Conservation Institute (2000), *Values and heritage conservation*, Getty Institute, Los Angeles, USA.
- Izadi, M.S. ( 2008 ), *A Study Of City Center Regeneration : A Comparative Analysis Of Two Different Approaches To The Revitalization Of Historic City Center In Iran*, PhD Thesis, New Castle University, Faculty Of Humanities and Social Science, School Of Architecture, Planning and Landscape.
- Jokilehto, J. (1998), *Organization, charters and world movement- an overview*, in Warren, J., Worthington, J. and Taylor, S.(eds) Context: new building in historic settings. Architectural Press: Boston, pp. 40-50.
- Jokilehto, J. (2007), International charters on urban conservation: some thoughts on the principles expressed in current international doctrine. *City & Time* 3 (3): 2.
- Larkham, P. J. (1996), *Conservation and the city*, London, Routledge.
- Larkham, P. J. (1999), Preservation, Conservation and Heritage: Developing Concepts and Applications. IN Cullingworth, J. B. (Ed.) *British planning: 50 years of urban and regional policy*. New Brunswick, N.J., Athlone Press.
- Pearce, G. (1994), Conservation As a Part Of Urban Regeneration, *Regional Studies*, Vol. 28 ( 1 ), pp. 88-93.